



تقابل اجتماع پذیری و اجتماع گریزی در فضاهای شهری

سارا علی پور¹، علی صندوقی²، عباس منوچهری³*

1. دکتری معماری، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
2. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
3. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

چکیده

فضاهای فرهنگی به عنوان بخشی از فضاهای عمومی، افراد را در درون سازمان های فضایی گوناگون به صورت اختیاری و برای انجام فعالیت های فرهنگی و اجتماعی گرد هم می آورند. این فضاها محل مناسبی برای برقراری تعاملات اجتماعی محسوب می شوند و نقش مهمی در ایجاد و ارتقای تعاملات و ارتباط افراد با یکدیگر و زندگی اجتماعی آنها دارند. چگونه به می توان با بهره گیری از علم معماری تعاملات اجتماعی برقرار نمود، اجتماع پذیری و اجتماع گریزی چگونه در کالبد معماری نمود می کند، عوامل موثر بر ارتقای اجتماع پذیری و اجتماع گریزی در بنا ها کدام اند، این پژوهش بر آن است تا با بهره گیری از روش توصیفی و بر اساس اسناد کتابخانه ای به بررسی معیارهای منتخب از مبانی نظری تحقیق به بررسی عوامل موثر بر اجتماع پذیری و اجتماع گریزی در فضاهای شهری بپردازد و نتایج بیانگر آن است که هدف اجتماع پذیر بودن فضا و برقراری تعاملات اجتماعی است.

واژه های کلیدی: معماری، فضا شهری، تعاملات اجتماعی، اجتماع پذیری، اجتماع گریزی

* این مقاله مبتنی بر تحقیقات درس روانشناسی محیط، نویسندگان مسئول است، که با راهنمایی دکتر سارا علی پور در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه در حال انجام است.

* نویسندگان مسئول: تلفن 09189255776 ایمیل: ali.sandoghi@gmail.com



مقدمه

با گسترش جوامع انسانی و ارتقای نیازهای اجتماعی بشری برای زندگی بهتر و محدودیت های فضاهای مسکونی برای انجام برخی از آنها، ضرورت حضور در فضاهایی جمعی جهت انجام برخی از فعالیت های انسان از اهمیت زیادی برخوردار شده است. تأمین نیاز انسان به ایجاد ارتباط با دیگران و در کنار جمع بودن مستلزم وجود فضاهای جمعی معین است و فضاهای عمومی قابلیت های متنوعی در این زمینه دارند. در فضاهای شهری که به عنوان بناهای عمومی معرفی شده اند و دارای کاربری هایی مشخص همچون فرهنگی، تجاری، خدماتی هستند، کمبود این گونه فضاها که میزانی از نیازها و خواسته های اجتماعی افراد را فراهم کنند، به چشم می خورد. این گونه فضاها باید علاوه بر دارا بودن ویژگی های یک فضای عمومی مطلوب، بستر مناسبی را برای فعالیت های جمعی و اجتماعی فراهم آورند. چنین فضاهایی در صورت وجود اغلب فاقد طراحی مناسب و از پیش تعیین شده بدین منظور هستند؛ همچنین فضاهای اجتماع پذیری که بستر مناسبی را برای فعالیت های جمعی و اجتماعی فراهم آورند، نیستند تا بتوانند علاوه بر حضور و مانایی افراد گوناگون در بناء، باعث ترغیب به ایجاد تعاملات اجتماعی در این مکان ها شوند.

روش تحقیق

ارتباط یک شکل اولیه از تعامل اجتماعی است. ارتباط بدین صورت تعریف می شود که شامل ارتباط انتزاعی و فیزیکی، تبادل خواسته، کلمات یا حرکات است، پس تعامل اجتماعی در واقع رابطه ای بین دو یا چند نفر در یک محیط است که منجر به واکنشی میان آن ها می شود و این نوع از واکنش برای هر دو طرف شناخته شده است. تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط می تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و یا ارتباط بین افراد باشد (دانشپور و چرخیان، 1386، 22). دریافت ویژگی های تأثیرگذار بر کیفیت فضایی مراکز تجمع و اینکه چگونه می توان این عامل را در جهت دستیابی به محیطی با کیفیت به کار گرفت، مسئله اساسی این پژوهش است. سوال اصلی در این رابطه این است که عوامل و عناصر معماری مؤثر در بهبود کیفیت فضایی کدامند.

فرض تحقیق حاضر، این است که توجه مناسبی به ویژگی های فضایی - کالبدی (اندازه فضا، وجود مبلمان مناسب، وجود خدمات مورد نیاز و...) فضاهای عمومی شود تعاملات اجتماعی در این محل ها افزایش خواهد یافت. در این نوشتار، جمع آوری اطلاعات در بخش ابتدایی پژوهش «مقدمه و مبانی نظری» با روش مطالعات توصیفی و براساس اسناد کتابخانه ای و منابع اینترنتی صورت گرفته و عوامل موثر بر اجتماع پذیری و اجتماع گریزی از دیدگاه صاحب نظران استخراج و دستبندی شد است.

اجتماع پذیری و اجتماع گریزی

واژه فضاهای اجتماع پذیر و اجتماع گریز را برای اولین بار اسموند در سال 1966 به کار برد. او در آن زمان مدیریت بیمارستان ساسکاچوان کانادا را بر عهده داشت و با بررسی روابط اجتماعی بیماران در فضاهای مختلف بیمارستان و تغییراتی که در چیدمان فضایی می داد به بیان این دو نوع فضا پرداخت و این واژه ها را بیانگر فضاهایی دانست که مردم را دور هم جمع می نمایند یا از هم دور می کنند (Long, 1987). «فضای اجتماع گریز» فضای باردارنده ارتباط اجتماعی بین مردم و فضای اجتماع پذیر تشویق کننده به مکث و توقف در فضای شهر و ایجاد تعامل است» (Long, 1987). ویلیام وایت در کتاب «زندگی اجتماعی در فضاهای شهری کوچک» به دنبال راه هایی برای افزایش سرزندگی و حضور مردم در فضاهای شهری بوده و در پروژه «زندگی خیابانی» درون مایه اصلی پروژه را زمینه های انسان شناسی، قوم نگاری علمی و مطالعات فرهنگی قرار داد و در نهایت زندگی خیابانی را چنین تعریف نمود (Whyt, 1980):



«در آنجا مردم ساعت ها با هم حرف می زنند یا خداحافظی های طولانی دارند و این باعث رشد رفتارهای شهری می شود.»

جین جیکوبز بر لزوم سرزندگی فضاهای شهری در خیابان ها تأکید کرده است و معتقد است که می تواند در بهبود رفتارهای شهروندی مؤثر باشد (Jacobs, 1961). یانگل این ویژگی را با اصطلاح «شهر دعوت کننده» به کار می برد: چون در این فضا می توان با هم شهری ها چهره به چهره دیدار کرد و به طور مستقیم از راه حواس به تجربه اندوزی پرداخت (Gehl, 2001). او واژه هایی مانند حضور پذیری یا بستری برای حضور در فضای شهری را با تأکید بر حضور مردم تعریف نموده و بار اجتماعی آن را مد نظر دارد، به طوری که می تواند در رفتارهای شهری مؤثر باشد. متیو کارمونا اصطلاح «مکان های ترسناک» را به کار برده و آن را در تضاد با اجتماع پذیری فضا می داند (Carmona & Wunderlich, 2012; Carmona, 2010): «جای که طبع کاری و ترس بر چهره محل مسلط شده و استراتژی های عمومی و خصوصی جلوگیری از این امر، تأثیر چندانی در فضا ندارد، تعاملات اجتماعی پایین است بنابراین یک طراحی ضعیف که بی کیفیتی محدوده عمومی را مدیریت کرده باشد، مستقیماً به یک هدف تجاری و به دور از تعاملات اجتماعی منجر شده و جامعه به سمت رها کردن فضای عمومی طراحی شده و طرفداری از فضای محدود و مدیریت شده توسط خویش گرایش پیدا می کند». تمامی تعاریف فوق بر اهمیت فضاهای عمومی در شهرها و تأثیر آن بر زندگی اجتماعی شهروندان دلالت دارد. از مهم ترین فضاهای عمومی در شهرها خیابان هستند جائیکه تعاملات اجتماعی و جنب و جوش شهری به حداکثر کیفی و کمی خود رسیده، ذهن شهروندان را انباشته از خاطرات جمعی و ذهنیت های مشترک راجع به نوع و چگونگی حیات مدنی می گرداند. خیابان های شهری سرشار از رویدادهای متعدد و متنوع اند و شهروندان به دلایل گوناگون در ساعات مختلف در آن حضور می یابند. رجوع به مراکز فعالیتی، خرید، تماشای مغازه ها، پرسه زدن، گردش، دیدن دیگران و دیده شدن توسط آن ها همه و همه خیابان های شهری را تبدیل به فضایی متراکم از انواع رویدادهای جمعی و فردی برای شهروندان نموده است (پورجعفر، 1389: 40). فضای عمومی یک محل یا مکان باز و قابل دسترس بهبود الگوهای رفتاری مناسب می شوند (مردمی، قمری، 40: 1390). اجتماع پذیری در فضاهای عمومی بر پایه نیاز مردم به حس تعلق اجتماعی و تعامل با یکدیگر قرار داشته و این امر در یک فضای اجتماعی حمایت کننده در کنار تأمین آسایش فیزیولوژیکی (Lang, 1994)، ادعای قلمرو، حس مالکیت و دریافت عدالت در فضا، میسر خواهد بود (Alexander, 1968). تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط، می تواند یک موضوع فیزیکی، نگاه، مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت های مناسب و در نتیجه نقش پذیری مردم در فضا و عضویت آنها در گروه ها و شبکه های اجتماعی است (دانشپور، چرخچیان، 22: 1386).

مکان های بیرونی که فرصت هایی را برای مردلم به وجود می آورند تا دور هم جمع شده و گفت و گو کنند می توانند مکان هایی جهت ملاقات شناخته شده و موجب غنای زندگی شهری شوند (Lowson, 2001: 142). فضای اجتماع پذیر را می توان فضایی سرزنده دانست که مردم داوطلبانه و با رغبت در آن حضوری همیشگی می یابند. برای این منظور جکوبز تنوع کاربری ها و فعالیت آنها در ساعات گوناگون را، برای ایجاد سرزندگی ضروری می داند (جکوبز، 1387). فضاهایی که حس آسایش را پرورانده و موجب رونق ارتباطات شود. آسایش ناشی از تماس هایی که لذت بخش است و مایع خوشنودی، تماس هایی که اشخاص را به عنوان افرادی از جامعه تأیید می کند (اپیلیارد، 1976). جای که مردم زمان خود را در آن گذرانده و به گفتن خواهش می کنم، متشکرم و ... با همسایگان خود و غریبه ها بپردازند، جایی است که زندگی اجتماعی در آن جریان دارد (Tryss, 2005). فضاهایی که موجب تشویق و ترغیب تعاملات اجتماعی می شوند (هال، 1982). مکانی است برای مکاشفه یا به عبارتی امکانات گوناگون و چهره به چهره شدن. جائیکه انسان ها در آن به مبادله اندیشه و احساسات خود با یکدیگر می پردازند (شولتز، 1384). فضایی که در آن بتوانیم با هم شهری هایمان چهره به چهره دیدار و به طور مستقیم از راه حواسمان به تجربه اندوزی بپردازیم (گل، 1387). مکان هایی که دارای مقیاس انسانی بوده و امکان مشاهده افراد دیگر را



فراهم می آورد (لنگ، 1384). کیفیت مردم پسند را تنها می توان از طریق آمیزه ای درست از کاربری ها و فعالیت ها به دست آورد (تیبادلز، 1387).

با توجه به مؤلفه هایی که توسط پژوهشگران و نظریه پردازان بیان شد می توان این طور تبیین کرد که فضایی اجتماع پذیر است که بتواند اجتماع مردمی را در کلیه ساعات شبانه روز به صورت طولانی مدت در خود داشته باشد به عبارتی دیگر فضایی دعوت کننده باشد. این چنین فضایی در درجه اول امکان برخورد اجتماعی و نتیجتاً ارتباط و تعاملات اجتماعی را به همراه دارد، مشاهده افراد، گفت و گو و ... در طول این رابطه به وجود می آید. این فضا زمینه ساز تجربه اندوزی، مبادله احساس و اندیشه و ... است. خیابان ها، میادین، معابر عمومی، فضاهای باز، پارک، فضاهای تفریحی، بازارهای خیابانی و ... به عموم، با توجه به ویژگی های سنی و جنسی بتوانند به راحتی، در زمان ها و حصول مختلف سال به آن دسترسی داشته باشند، از قابلیت های اجرای فعالیت های متنوع (متناسب با فرهنگ جامعه از جمله برگزاری جشن ها یا مراسم عزاداری برخوردار باشد، کاربری های متنوع، مختلط و مورد نیاز شهروندان با توجه به نیازهای آنها در اینگونه فضاها استقرار یافته باشد، امکان تعاملات اجتماعی و روابط اجتماعی در آنها وجود داشته و کنترل آن توسط سازمان عمومی و اداره و تأمین آن در جهت منافع عمومی صورت پذیرد. دربرگیرنده معیارهایی همچون خوانایی (ادراک فضایی و بصری)، مقیاس انسانی، امنیت، انسان مداری و دارای تأسیسات و تجهیزات شهری متناسب با عملکرد فضا بوده و در نهایت از قوانین و هنجارهای رایج و موجود در جامعه تأثیر پذیرد (پرتوی، 1391:10). در تبیین مؤلفه ها و ویژگی های فضاهای عمومی موفق، مطالعات و دیدگاه های فراوانی طی دهه های اخیر وجود دارد. از جمله می توان الدنبرگ (1999)، لراپ (1972)، گل (1987)، مؤسسه PPS (2000)، دفتر معاونت نخست وزیر انگلیس (ODPM, 2004)، ونراج (1983)، لنارد (1984) و ... اشاره کرد. با بررسی و واکاوی مؤلفه ها و ویژگی هایی که این پژوهشگران نقل کرده اند می توانند فضای عمومی موفق را فضایی دانست که از مؤلفه هایی چون دسترسی، کالبد مناسب، منظر، تنوع فعالیت، جامعیت، امنیت، تعامل اجتماعی، اجتماع پذیری، آسایش و راحتی در حد متناسبی برخوردار باشد. وجود این عوامل در کنار یکدیگر می تواند یک فضای عمومی موفق یا نا موفق سازد. همانطور که از مقایسه آرای صاحب نظران برآمد یکی از عوامل مهم موفقیت فضاهای عمومی، اجتماع پذیری است. پژوهشگران اجتماع پذیری را یکی از مهم ترین مؤلفه های این گونه فضاها می دانند.

فضای فرهنگی و ماهیت جمعی

قلمرو فضای عمومی به تمامی فضاهایی اطلاق می شود که توسط مردم قابل دسترسی و استفاده باشد با توجه به تقسیم بندی ارائه شده توسط کارمونا و دیگران از قلمرو فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی فضاهای عمومی شامل: 1) فضاهای عمومی خارجی (2) فضاهای عمومی داخلی (3) فضاهای داخلی و خارجی نیمه عمومی است که فضاهای فرهنگی در دسته فضاهای عمومی داخلی قرار می گیرند. در تعریف آن ها از فضاهای عمومی داخلی چنین نوشته شده است: «فضاهای عمومی داخلی شامل کتابخانه ها، موزه ها، تئاتر، شهرها و غیره و تسهیلات رفت و آمد عمومی چون ایستگاه های اتوبوس، قطار، فرودگاه ها و ... می شود» (کارمونا و دیگران، 1391، 223). با توجه به تعریف فوق و قرار گرفتن مجموعه های فرهنگی در دسته بندی فضاهای عمومی، می توان به شناخت ابعاد اجتماعی این فضاها از طریق تأمین و بازنگری مبانی نظری مطرح شده در حوزه فضاهای عمومی، دست یافت.



مؤلفه های اجتماع پذیری

براساس دیدگاه لارس لرآپ (1972) ایجاد فضای عمومی که پذیرای افراد مختلف باشد باید دارای عوامل زیر باشد:

- 1- تعیین قلمرو، امنیت، ساختار منسجم، تداوم، خوانایی و قابل پیش بینی بودن فضاها
- 2- وجود تسهیلات مناسب در فضا، پاسخگویی، راحتی و آسایش محیطی
- 3- میزان اطلاعات، شور و هیجان محیطی که مستلزم وجود ابعادی چون پیچیدگی و رمز آلودگی، آموزش، گوناگونی و تضاد، انتخاب، خلوت و دل بستگی در فضا است.
- 4- تعاملات اجتماعی (Montero Avila, 2001).

براساس پژوهش های انجام شده، عوامل فوق بدر دو دسته کلی عوامل «کالبدی» و «فعالیتی» قرار می گیرند. عواملی که بر بعد کالبدی تأکید می کنند چون تأمین خلوت، قلمرو، خوانایی، آسایش و امنیت هستند و عواملی همچون تجارب محیطی، حضور و تعاملات اجتماعی بر بعد فعالیتی فضا اشاره دارند (دانشپور و چرخچیان، 23، 1386).

الف) مؤلفه های کالبدی: بسیاری از پژوهش های اخیر رابطه مشخصه های کالبدی فضا و تعاملات جمعی را محور خود قرار دادند. محور این پژوهش ها بر این است که در هر محیطی، فضای کالبدی به مثابه ساماندهی فضایی عمل می کند و مشخصه های این سامانه فضایی بر تعاملات جمعی زاین کاربران مؤثر است (Pasalar, 2003). در این مطالعات رابطه ای میان سازماندهی اجتماعی و ساختار محیط انسان ساخت مورد مطالعه قرار می گیرد. براین اساس مکان فیزیکی در حالت ایده آل به سه صورت از رفتار و رویدادهای رفتاری در فضا پشتیبانی می نماید. نخست اینکه مکان فیزیکی عناصر فیزیکی و مشخصه های لازم برای تداوم و پایایی آسایش افراد در محیط را فراهم می آورد. به عنوان مثال نور، ویژگی مهمی در محیط فیزیکی است که مکان فیزیکی چگونگی آن را مشخص می کند. دوم اینکه محیط فیزیک فراهم کننده امکانات و سازماندهی فضایی است که نظام ها و الگوهای ویژه فعالیت در فضا را قوام می بخشد و دیگر فعالیت ها را کمرنگ می نماید؛ به عبارت دیگر محیط فیزیکی شکل گیری روابط جمعی را تسهیل نموده، سطح مطلوبی از خلوت را در فضا فراهم می آورد. این امر شامل ابعاد، هندسه فضا و روابط و ارتباطات فضایی در فضاهای فعالیت است. در نهایت محیط انسان ساخت مولد و تضمین کننده احساسات، تجارب و ادراکات نمادین و زیبایی شناسانه است که به مثابه کیفیاتی در محیط، ادراکات کاربران را تحت تأثیر قرار می دهند. این سه سطح همواره به صورتی تعاملی و متغییر رابطه بین تعاملات اجتماعی و نظام های رفتاری در فضا را کنترل می نماید (Moleski & Lang, 1986).

فضا دارای منطقی اجتماعی - جمعی بوده که از طریق تحلیل ساختار فضایی و فعالیت های کاربران و چگونگی سازماندهی فضا توسط معماران قابل درک است. در محیط انسان ساخت از یک طرف الگوهای جمعی در محیط برخوردار از نظام های فضایی هستند و از طرف دیگر محتوای فضایی محیط دارای الگوهای جمعی است (Hilier and Hanson, 1984). سازمان فضایی می تواند تعاملات اجتماعی مطلوب را تقویت نماید و همچنین می تواند بر ایجاد خلوت مطلوب نیز تأثیر مستقیم داشته باشد. درواقع می توان از طریق سازماندهی مناسب فضاها و چیدمان فضایی به سطح مناسبی از ارتباطات و خلوت مطلوب متناسب با فعالیت های فضاهای مورد نظر دست یافت (Archea, 1999).



مؤلفه های کالبدی اجتماع پذیری فضای عمومی با عواملی همچون نحوه دسترسی، موقعیت قرارگیری، آسایش در شرایط مختلف اقلیمی و امنیت در رابطه است. از ابعاد کالبدی فضای عمومی و قابلیت های آن در رابطه با اجتماع پذیری فضا می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- موقعیت قرارگیری و دسترسی های سواره و پیاده
- چگونگی شکل گیری و ساماندهی فضاهای عمومی
- فرم، هندسه، نظم، هماهنگی، تشخیص، هارمونی، تنوع ابعاد و تناسبات و سایر ابعاد زیباشناسانه (دانشپور و چرخ چیان، 1386، 25).

علاوه بر این وجود عناصر طبیعی در این فضاها موجب افزایش هیجان و سرزندگی و دعوت کنندگی و ایجاد تجربه های خوشایند برای افراد می شود که باعث افزایش حیات جمعی در فضا می گردد. (دانشگر مقدم و دیگران، 1391).

ب) مؤلفه های فعالیتی: ادبیات حاکم بر مطالعات انسان و محیط نشان می دهد که مطالعه فضای کالبدی مستلزم ملاحظه فعالیت ها در آن است. بارکر بر ماهیت جمعی- رفتاری فضاهای فعالیتی تأکید داشته است و تعاملات جمعی در فضاهای فعالیتی را به مثابه قابلیت برای فضا مورد تأکید قرار داده است (Barker, 1968). بر طبق این نظرات دل بستگی به مکان نه تنها توسط وجوه فیزیکی تقویت می شود بلکه کیفیت رفتارها و تعاملات اجتماعی در فضا نیز بر دل بستگی به آن مؤثر هستند (Poll, 2002). بنابراین مشخصات کارکردی فضاهای عمومی می تواند بر کیفیت و کمیت جذب مردم بر توقف و تعامل بر این فضاها، تأثیر گذار باشد (دانشپور و چرخ چیان، 1386، 23).

وقوع رویدادهای خاص در فضا از قبیل نمایش های خیابانی، هنرهای عمومی و رخدادهایی از این دست که مردم را با یکدیگر پیوند می دهند، به جذابیت فضاها می افزایند و در فرآیند چنین رخدادهایی، موقعیت هایی جهت برقراری ارتباط بین مردم و تمایل به گفت و گو بین آنها ایجاد می گردد (Whyt, 1980). از سویی دیگر بعد فعالیتی فضاها با فعالیت ها و کاربری های پیرامون خود نیز مرتبط است اینگونه فعالیت ها و بسیاری از خصوصیات فعالیتی و کالبدی دیگر به فضاهای عمومی تشخیص بخشیده، و تأمین آسایش و امکانات لذت بردن مردم از حضور در فضا تأثیرگذار است. همچنین فضاهایی در برقراری تعاملات اجتماعی موفق هستند که از تعامل پویا، آموزش محیطی، تبادل آزاد اطلاعات در قالب فعالیت هایی چون نمایش و آموزش مهارت، کسب تجارب محیطی و امکان بیان خلاق افراد و گروه ها حمایت نمایند؛ این امر موجب افزایش حس همبستگی اجتماعی و در نتیجه رضایتمندی بیشتر می گردد. در این راستا شناخت ابعاد مؤثر در مؤلفه فعالیتی اجتماع پذیری و تأمین ما به ازای کالبدی آنها منجر به افزایش حیات جمعی می گردد، از جمله:

- ارزیابی عملکرد فضاها در فصول مختلف
- نحوه استفاده کاربران از فضاهای عمومی
- شرایط و ویژگی های گذران فراغت
- مشکلات و موانع تحرکات پیاده



بر مبنای مطالب اشاره شده در مورد اجتماع پذیری فضا و ابعاد مختلف کالبدی و فعالیتی فضاهای عمومی، فرآیند اجتماع پذیری در درون فضاهای عمومی را مبتنی بر چهار مرحله پذیرا بودن فضا جهت حضور افراد، تأمین آسایش روانی و فیزیکی، لذت بردن از حضور در فضا و تداوم حضور اجتماعی فعال در فضا می دانند (دانشپور و چرخچیان، 1386).

مؤلفه های اجتماع گریز

به گفته ی ادوارد تی هال، فضای اجتماع گریز ضرورتاً فضای بدی نیست، همین طور فضای اجتماع پذیر نیز، همیشه به کلی خوب نیست. آنچه مطلوب است آن است که تنوعی از فضاهای مختلف وجود داشته باشد و افراد براساس نیاز و حالت بتوانند درگیر این فضاها شوند. اگر در طراحی خواسته های مردم، در نظر گرفته شود، محیط ساخته شده حاصل از آن قابلیت تأمین تعامل اجتماعی را خواهد داشت در غیر این صورت محیط مورد استفاده قرار نمی گیرند و ساخت آنها موجب اتلاف سرمایه است. به گفته صاحب نظران اگر نیاز های اجتماعی مردم با احساس استقلال فردی حاصل از خلوت در تعادل قرار گیرد، روابط اجتماعی آسان تر می شود.

عناصر و اجزای تشکیل دهنده فضاهای اجتماع پذیر و اجتماع گریز در ساختمان ها

در ادبیات معماری معاصر، هر بنا به دو بخش الگوهای معماری و عناصر معماری تقسیم می شود (هایری، 197:1376) در اصطلاح معاصر، مراد از عناصر معماری به طور مشخص ستون، پنجره، دیوار، در، دیوار، کف، سقف و از این قبیل می باشد. عناصر معماری، بخشی از الگوهای فضایی را شامل می شود که در شکل دهی، مضمون بخشی و ایجاد حالت، نقش ایفا می کنند. عناصر معماری، خود ذی نفسه دارای تشخیص هستند. از سنگ فرش گرفته تا مشبک دیوار یا سکو و صفحه های بیرون زده است کف یا سطوح مختلف و با پنجره و درگاه و روزن، همه و همه از تشخیص و استقلال برخوردارند و در تعاریف و تمایز فضاهای اجتماع پذیر و اجتماع گریز، نقش بارز دارند. افزایش تلبان معمارانه سقف، کف و دیوارها، بخشی از توانمندی سازی فضا محسوب می شود که می بایست آنها را شناخت و بست داد.

پله

بنا به گفته آلدوفن آیک هر چند که معماران می توانند فضاهایی را به وجود آورند که محل وقوع فعالیت ها و آیین ها باشند، تمایز فضا و مکان را به اندازه مردمی که فضا را با فعالیت های خود، زنده نگه می دارند آن را به مکان تبدیل می کنند، انجام نداده اند. پله علاوه بر برقراری ارتباط بین طبقات به طور برانگیزاننده ای، ساکنین را دعوت به نشستن می کند. 1 ساعت حضور در فضا و برداشت رفتار ساکن در نشان خواهد داد که فضای مقابل پله ها مکانی جهت مکث و گفت و گو انتخاب می شود. ساکنان می توانند روی آن ها بنشینند و با هم گفت و گو کنند.

دیوار

برای استفاده از دیوارها در بروز ویژگی اجتماع پذیری و اجتماع گریزی فضای می بایست در مورد هر گونه فضای باز، بسته و پوشیده دیوار را براساس خصلت دو رویه، با قابلیت تعریف و ترکیب کنندگی آن طراحی نمود. توان نهفته در عناصر پوششی، آن است که هم به عنوان بدنه، تعریف کننده و هم به عنوان عنصر اتصال دهنده فضاها قابل طراحی است. دیوارها، خود در حد فاصل یک قاب عمودی تو خالی تا یک بدنه پر، قابل طراحی هستند. در این حد فاصل، شرایط تعریف و اتصال فضاها پدیدار می شود. اتصال، تداوم و تسلسل فضاها از طریق تعبیه درگاه، در، پنجره و یا قاب های کوچک تر در درون دیوارها، در ایجاد بسط فضایی، بسط چشم اندازی و نوری کاملاً مؤثر است و در نتیجه تمایل افراد به حضور در فضا افزایش می یابد.



دسترسی مستقیم طبقات همکف ساختمان های به محوطه فرصتی را برای بروز رفتارهای اجتماعی فراهم می کند. از طرفی به دلیل گشایش هایی که در طبقات به واسطه بالکن ها و پنجره ها به درون محوطه ایجاد شده است شاهد چنین رفتارهایی در طبقات خواهیم بود.

عناصر طبیعی

فضاهای غیر مسقف را که امکان گردهمایی و گفت و گوی افراد را به وجود می آورند، می توان به اماکن مشهور برای برگزاری جلسات تبدیل کرد و زندگی شهری را غنا بخشید (لاوسون، 145:1391). بسیاری از نویسندگان معتقدند که تماس با عناصر طبیعی محیط برای بهزیستی و شادابی انسان مهم است. این گفته ها به شدت نظری است و به جای اتکا به مدارک علمی بیشتر مبتنی بر بینش هنجاری به زندگی انسان است. با توجه به تحقیقات سازمان یافته اندک در مورد چنین اظهار نظرهایی، ارزیابی تأثیر این گونه تماس ها بر شادابی روانشناختی انسان دشوار است (لنگ، 257:1381). معماران معمولاً فضا را مفهومی انتزاعی در نظر می گیرند، نه پدیده ای رفتاری؛ اما از طرفی و در تناقضی آشکار با این فرضیات، تصور می کنند که رفتار انسان بر پیشگویی های انسان منطبق خواهد بود. فضای تصادفی ایجاد شده بین درختان، باعث به وقوع پیوستن رفتاری اجتماعی خواهد شد.

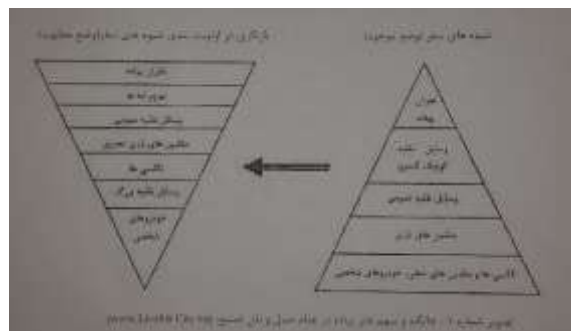
محوطه

در پشت محوطه های شاهد بروز رفتارهای ضد اجتماعی هستیم ساکنین هیچ تمایلی برای حضور در محوطه پشتی ساختمان ها ندارند. برعکس در جبهه جلویی ساختمان های که در ورودی با آن ارتباط مستقیم دارد و ورود و خروج جریان دارد، استفاده از صندلی ها به وفور دیده می شود به نظر می رسد بین ورودی که در قسمت جلویی ساختمان های قرار دارد و ورود و خروج از آن جبهه انجام می شود و مکث و نشست روی صندلی های آن جبهه ارتباطی وجود دارد. شاید نشستن و دیدن افراد جزو جذابیت هایی است که ساکنین را ترغیب به حضور در آن فضا می کند.

عناصر مؤثر در تقویت اجتماع پذیری، در محیط های ساخته شده

حرکت و مکث در فضا: فضاهای اجتماع گریز غالباً ترویج دهنده سرعت بالا و کاربردهای ایزوله می باشند و طراحی مسیر به عنوان راه عبوری پیش بینی شده است؛ در صورتیکه فضاهای اجتماع پذیر بر مکث، جمع شدند و حضور تأکید می کند.

پیاده مداری: تأکید بر پیاده روی، در اجتماع پذیر بودن فضای شهری نقش مهمی را بازی می نماید؛ چون حرکت سواره مساوی با سرعت و عدم فرصت کافی برای درک محیط و برقراری ارتباط با آن و با سایر مردم است (El Adli & Zakaria, 2006).



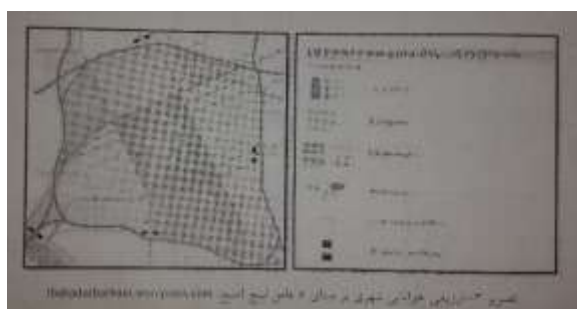


فرم فضا: تحقیقات سامر نشان داد که فرم محیط اکولوژی ، بر تأمل و تعامل ، بسیار تأثیر گذار است و حس مکان، مکث یا حرکت را به خوبی القا می نماید (Long, 1987). فرم های مقعر پذیرا ترین فرم ها بوده و با ایجاد حریم، حس تعلق و مالکیت را افزایش می دهد و بیشترین به عنوان فضاهای مکث بلند مدت به کار می روند و تعامل در آن ها به دلیل چیدمان رو به افزایش است (Lewicka, 2008) (تصویر 2).



تصویر 2- تأثیر مقعر و محدب در ایجاد تعامل اجتماعی (منبع: WWW.Nytimes.dom)

خوانایی: محیط خوانا حس کنترل بر محیط را زیاد کرده و عزت و وجدان اجتماعی را افزایش می دهد. تحقیقات لنگ (1987) نشان داد محیطی که کلیتی مبهم ارائه می دهد، احساس ترس گم شدن و بدبینی در محیط را افزایش می دهد.



انسجام: لینچ همچنین معتقد است انسجام در محیط باید به گونه ای باشد که با کمترین اطلاعات بتوان کلیتی را دید و فقدان آن کلیت باعث استنباط نامطلوب و سرگردانی در محیط می شود. هماهنگی بین عواملی چون مقیاس، عناصر و سازماندهی ساختمان ها، انسجام فضایی را تحت تأثیر قرار می دهد (لینچ، 1390).

نقش ابزار: نکته مهم دیگر که میس توان در بحث اجتماع پذیری و اجتماع گریزی به آن اشاره کرد ، نقش ابزار در ایجاد فضاهای اجتماع پذیر و اجتماع گریز است. آخرین تحقیق صورت پذیرفته در دانشکده شوچی یوکان نیهو ، نشان داد در صورتیکه برای تعداد مشخصی از افراد یک ابزار وجود داشته باشد که به صورت مشترک از آن استفاده کنند، از ابزار سبب ایجاد فرصت هایی برای اجتماع پذیری افراد می گردد. در غیر این صورت اگر تعداد ابزار زیاد باشد، از میزان تعامل اجتماعی افراد در محیط کاسته می شود (تصاویر 4 و 5)

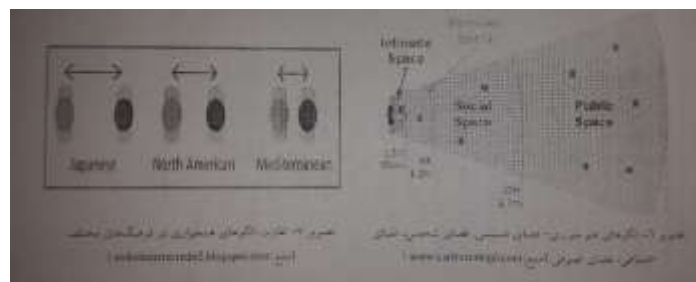




تحقیق و سرگرمی: سرگرمی های نظیر رستوران، کافی شاپ، سینما، نمایشگاه، پارک و فضای بازی و ... در اجتماع پذیری فضا تأثیر مثبت دارند.

اجتماع پذیری از نگاه نظری اطلاعات: استفان کاپلان فضاهای خطی را تشویق کننده حرکت می داند اما زمانی که اطلاعات به صورت ناگهانی به فرد منتقل می شود، سرعت را کم کرده و دلیلی بر ایجاد تعامل می گردد.

اجتماع پذیری از نگاه الگوهای همجواری: ادوارد تی هال این اصطلاحات (اجتماع پذیری و اجتماع گریزی را گسترش داده تا چگونگی تأثیرگذاری موقعیت موانع در فضاها را بر ارتباط بین مردم توصیف نماید وی در بحث الگوهای همجواری، فواصل مناسب مختلف برای برقراری انواع ارتباطات اجتماعی را مورد بررسی قرار داد. او هم چنین معتقد بود که این فواصل در بسترهای فرهنگی مختلف متفاوتند (Eiba, 1996) (تصاویر 6 و 7):



نمونه مورد

مرکز فرهنگی اصفهان یا مجموعه فرهنگی و آموزشی فرشچیان به دلیل دارا بودن ویژگی های یک فضای عمومی مطلوب به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب گردید. این بنا به لحاظ موقعیت شهری در مجاور رودخانه زاینده رود و در مرحله ای با بافت جدید قرار گرفته است. جداره های و لبه های بنا دارای تخلخل فضایی و شفافیت بصری مناسبی است تا آنجا که در بخش مجاور خیابان، ساختمان از طریق دروازه ورودی با پیاده روی شهری ترکیب شده است. این مجموعه از طریق ورودی، دسترسی و نفوذپذیری مناسبی را جهت ورود افراد فراهم کرده و بنا را به نحوی مناسب به بافت شهری خود متصل کرده است.

فضاهای داخلی بنا نیز دارای نقاط کانونی جهت تجمع افراد هستند این فضاها در کنار سایر عملکردهای اصلی مجموعه شکل گرفته و با آنها در ارتباط هستند. اندازه و مقیاس این فضاها متناسب با فضاهای عملکردی پیرامون خود است تا افراد در گروه های کوچک تر و در سازمان های مرتبط با فعالیت های درونی بنا را در خود جای دهد.

بحث و تحلیل یافته ها

یکی از نکات حائز اهمیت در تحلیل های انجام شده، شناسایی فضاهای نامطلوب و دستیابی به دلایل عدم موفقیت آنها در مقایسه با فضاهای موفق است. فرهنگسرای فرشچیان دارای فضاهای طراحی شده متعددی به عنوان فضاهای جمعی است اما بخشی از آنها مورد استفاده مخاطبان قرار نمی گیرند. از جمله این فضاها می توان به ورودی اصلی، گالری ها، بخشی از فضاهای تجاری و کافی شاپ مجموعه اشاره کرد. علل موفقیت و عدم موفقیت فضاهای جمعی از طریق بررسی مؤلفه های کالبدی و فعالیتی در این فضاها قابل درک است.



الف) مؤلفه های کالبدی

تأثیر عوامل کالبدی- فضایی در میزان اجتماع پذیری در دو حالت رخ می دهد یکی با «قابلیت مستقیم» که امکان وقوع فیزیکی رفتارهای تعاملی میان فردی را در فضا ممکن می سازد و دیگری با «قابلیت غیر مستقیم» که به عنوان عاملی ادراکی و معنایی، با ایجاد تصاویر، روابط اجتماعی بین استفاده کنندگان را تعریف و تسهیل می کند یا افزایش و تغییر می دهد. همان گونه که اشاره گردید، یکی از این عامل های کالبدی ارتقای اجتماع پذیری وجود عناصر طبیعی در محیط است که در فرهنگسرای فرشچیان نیز وجود عناصر طبیعی همچون آب و گیاهان و حتی موجودات زنده باعث ارتقای کیفیت فضای کالبدی برای شکل گیری تعاملات اجتماعی است. به نحوی که بیشترین میزان تعاملات اجتماعی در اطراف حوض محوطه اصلی مجموعه رخ می دهد که در آن چند پرند آبی نیز حضور دارد. حضور پرندگان در آب باعث جلب توجه استفاده کننده و موجب توقف بیشتر افراد در آن فضا گردیده است. از سویی دیگر موقعیت قرارگیری و سازماندهی مناسب فضاهای اطراف جهت حضور، مکث و امکان توقف و نشستن در اطراف حوض آب این امر را تقویت کرده است.

ب) مؤلفه های فعالیتی

با مشاهده مستقیم رفتارهای موجود در بنا می توان گفت نقاط کانونی مورد مطالعه عملاً به سه ناحیه رفتاری «فعال» «نیمه فعال» و «کم فعالیت»، از لحاظ میزان وقوع تعاملات اجتماعی تقسیم می شوند.

بعضی از مشخصات تعاملی مثل جمعیت، جنسیت، نوع و طول تعاملات اجتماعی روی داده در فضا بر کمیتی تعاملات اجتماعی تأثیرگذار هستند که این مسئله نشان می دهد نوع برنامه زمان بندی فعالیت های درون فرهنگسرای، بیشتر آنها را، تعریف، تسهیل، و در کل، متأثر می سازد.

نتیجه گیری

با توجه به مباحث مطرح شده در باب عوامل موثر و عناصر تاثیر گذار بر کیفیت فضاها با توجه به بررسی و تحلیل های انجام شده نتایج در این باب بدست آمده که در ذیل به طور خلاصه به آنها اشاره می شود.

نتایج بدست آمده از پژوهش ثابت می کند که وجود فضاهای سبز در فضاها، همچنین ترکیب فضای سبز با بنا سبب می شود که افراد از حضور در فضا لذت برده و زمان بیشتری را در آنجا بگذرانند، بنابراین حضور پذیری فضا تاثیر مثبت دارد.

وجود فضای بازی کودکان نه تنها سبب تجمع کودکان به دور هم و بازی با یکدیگر می شود بلکه در راستای آن سبب حضور والدین و همراهان کودکان و ایجاد تعاملات اجتماعی بین آنها می شود. بدین صورت کودکان سبب جذب افراد به فضاها شده و برای حضور پذیری تاثیر می گذارد. با این وجود باید توجه کرد که در مکانیابی فضای برای کودکان به همجواری با فضاهای دیگر مانند خیابان یا فضای نشستن برای افراد مسن و... دقت کرد.

وجود مبلمان جهت توقف و استراحت در فضاها سبب می شود که افراد به هنگام نیاز به استراحت و یا برای گذراندن اوقات فراغت در فضا توقف کرده بنابراین وجود فضای نشستن تاثیر بسیاری در جذب افراد دارد. چنانچه در مکان های که برای نشستن و استراحت در نظر گرفته شده سایبان تعبیه شود، تاثیر آن بیشتر خواهد شد. چرا که سایبان ها و درختان و گیاهان مناسب علاوه بر ایجاد منظر زیبا و دلنشین مانع آفتاب آزار دهنده تابستان و بادهای مزاحم زمستان می شوند.



منابع

- 1- دکتر گلرخ دانشگرمقدم، دکتر سید حسن بحرینی، دکتر علیرضا عینی فر(1389)، تحلیل اجتماع پذیری محیط کاربردی متأثر از ادراک طبیعت در محیط انسان ساخت، نشریه هنر های زیبا-معماری و شهرسازی شماره 45 صفحات 25-36.
- 2- مهدی حمزه نژاد، صدیقه معین مهر، پریا سعادت جو(1393)، بررسی اجتماع پذیری فضاهای تجاری در رویکرد اسلامی.
- 3- لیلی اسمعیلی، شهپر اسمعیلی، عناصر و اجزای تشکیل دهنده فضاهای اجتماع پذیر و اجتماع گریز خوابگاه های دختران کوی دانشگاه تهران.
- 4- زهره ترابی، یلدا نیکخواه بهرامی، الناز امین، بررسی نقش معماری در اجتماع پذیر بودن فضاهای شهری (مطالعه موردی: فرهنگ سرای امام خمینی زنجان).
- 5- مهدی توکلی، مرضیه قنبری، بررسی ارتباط اجتماع پذیر بودن فضاها با معماری فضاهای شهری در فرهنگسرای کوثر زنجان.
- 6- حسن سجاذزاده، ماندانا یوسفی، محمد یوسفی(1394)، ارزیابی مؤلفه های اجتماع پذیری در کیفیت بخشی به مساجد محلی ایران (نمونه موردی: مسجد چمن چوپانان، مسجد شالبافان و مسجد کولانج شهر همدان).
- 7- بختیار بهرامی، احسان اکبری(1393)، بررسی عوامل مؤثر بر افزایش اجتماع پذیری در خیابان های تجاری شهری؛ نمونه موردی: خیابان مدرس کرمانشاه.
- 8- محمد محمدی، محمد حسین آیت اللهی، عوامل مؤثر در ارتقای اجتماع پذیری بناهای فرهنگی، بررسی موردی: فرهنگسرای فرشچیان اصفهان.
- 9- شهپر اسمعیلی، الزامات معماری تأثیر گذار بر اجتماع پذیری فضای عمومی دانشگاه(مطالعه موردی: دانشکده علوم دانشگاه بوعلی سینا همدان).
- 10- دلارام شجاعی، پروین پرتوی(1394)، عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقاء اجتماع پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس های مختلف شهر تهران(نمونه موردی: فضاهای عمومی 2 محله و یک ناحیه در منطقه 7 تهران).